هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکنند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم –سال دوازدهم –شمارهٔ هفدهم ۲۹ سرطان ۱۳۹۲ ۱۱ رمضان المبارک ۱۴۳۴ - 20 July 2013



ما نمی خواهیم کشورمان مانند عراق درگیر جنگ های داخلی و فرقه یی شود.
برای حل نابسامانی های جامعهٔ ما، راه حلی دیگر جز مفاهمه و گفتگو وجود ندارد.

از سخنان رهبر شهید

رئیس شورای عالی صلح:

چیزی که در قطر رخ داد پایان روند صلح نیست

صلاح الدین ربانی رئیس جمعیت اسلامی فغانستان و رئیس شورای عالی صلح در گفتگو با رسانه های غربی گفته است که، تا هنوز این شورا با سران طالبان در تماس است.

رئیس شورای صلح گفته است، باوجود بسته شدن دفترطالبان در قطر، تماس های شورای صلح با گروه طالبان ادامه دارد. وی در این مصاحبه تصریح کرده است، چیزی که در قطر رخ داده پایان پروسهٔ صلح نیست. شورای صلح تا هنوز با سران طالبان در تماس است و در نظر است که در گفتگو های پلان شده روی مسالهٔ آتش بس نیز صحبت شود.

رئیس شورای عالی صلح در حالی در ارتباط به گفتگو با طالبان ابراز خوشبینی می کند که طالبان دفتر ایجاد شدهٔ شان را در قطر بستند یا بستاندند.

در این گفتگو پاکستان را به عدم همکاری در پروسهٔ صلح متهم کرده و گفته است، با آن که این کشور می گوید از گفتگو ها به رهبری أفغان ها حمایت می کند، اما این حمایت تنها به بیانیه ها محدود مانده اند. رئیس شورای عالی صلح در رابطه به نتایج گفتگو های صلح قبل از انتخابات ریاست جمهوری افزود، دشوار است در این رابطه به یک موافقهٔ نهایی دست یافت، اما کار برای صلح ادامه دارد.

آقای ربانی طی هفتهٔ گذشته با مقامات خارجی از جمله سفیران امریکا و هند در کابل ملاقات جداگانه نموده و محور این دیدار ها را گفتگوهای روند صلح با مخالفان، تحلیل اوضاع امنیتی و ثبات در کشور در بر می گرفت. طبق یک خبر دیگر، صلاح الدین ربانی با تعداد از بزرگان، روحانیون و جمعی از اعضای شورای اصلاحی ولسوالی بهارک بدخشان دیدار و پیرامون مشکلات عدیدهٔ آن ولسوالی صحبت نمودند.



همایش مردمی جمعیت اسلامی در ولایت قندهار



هزاران تن از اعضای جمعیت اسلامی در ولایت کندهار، از تشکیلات مؤقت جدید این حزب اعلام حمایت کردند. سخنرانان در این همایش تأکید داشتند که جمعیت اسلامی به عنوان یک حزب مقتدر و ملی باید بیشتر از پیش در جامعه حضور فعال داشته باشد. در همین حال محترم کلیم الله نقیبی معاون جمعیت اسلامی فغانستان به اعضای این حزب در ولایات جنوب غرب کشور وعده سپرد که از آدرس جمعیت اسلامی برای تأمین صلح و ثبات و همبستگی میان مردم تلاش خواهد کرد.

شهر کندهار، شاهد تجمع شمار زیادی از علمای دینی، فرماندهان پیشین جهادی جمعیت اسلامی، بزرگان قومی و نماینده گان مردم در شورای ولایتی، جوانان و اعضای جمعیت اسلامی بود. این همایش به حمایت از تصمیم اخیر جمعیت اسلامی مبنی بر اعلام تشکیلات جدید مؤقت این حزب به عنوان گام نخست در راستای آماده گی های انتخاباتی برگزار شده بود. اشتراک کننده گان این نشست، همچنان از انتخاب اعضای جدید شورای رهبری جمعیت اسلامی اعلام حمایت کردند. ص۷

توشیح و تصویب دو قانون

◇ **اندیشه**

حامدکرزی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان روز چهارشنبهٔ هفتهٔ گذشته، طی فرمانی قانون تشکیل وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی را توشیح کرد.

قانون متذکره که به تأسی از حکم فقره ۱۶ ماده ۶۴ قانون اساسی افغانستان و بر اساس فیصلهٔ شماره ۹۵ مورخ ۲۲ سرطان ۱۳۹۲ هیئت مختلط مجلسین شورای ملی در ۵ فصل و ۳۵ ماده تصویب گردیده ست، توسط رئیس جمهور توشیح گردید.

همچنان رئیس جمهوری اسلامی افغانستان طی فرمانی، کمیتهٔ گزینش را به منظور تسریع و تأمین شفافیت پروسهٔ انتخابات سال ۱۳۹۳ تعیین کرد. در این حکم آمده است که، بتأسی از حکم فقرهٔ مادهٔ هشتم قانون تشکیل وظایف و صلاحیت های کمیسیون مستقل انتخابات وکمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی، به منظور تسریع و تأمین شفافیت پروسهٔ انتخابات سال ۱۳۹۳ کمیتهٔ گزینش منظور گردیده است.

در ترکیب این کمیته رؤسای ولسی جرگه، مشرانو جرگه، ستره محکمه، کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی، کمیسیون مستقل حقوق بشر فغانستان و یک تن از نهاد جامعهٔ مدنی به معرفی کمیتهٔ گزینش مرتبط به انتخابات، شامل می باشند. قرار است این کمیته کسی را به حیث رئیس از میان خود انتخاب نمایند.

قانون تشکیل و صلاحیت های کمیسیون انتخابات که چندی پیش به تصویب شورای ملی رسیده و جهت توشیح به ریاست جمهوری فرستاده شده بود.

اعضای کمتیهٔ مشترک قانون را پس از تعدیلات مورد تصویب قرار دادند، آنان امیدوار بودند که با توجه به اهمیت این قانون به زود ترین فرصت مورد توشیح ریاست جمهوری قرار گیرد .

به باور اعضای مجلس نمایندگان و آگاهان امور یکی از موارد مهم در برگزاری انتخابات، توشیح قانون ست، اما تضمین شفافیت و غیر وابسته بودن اعضای کمیسیون انتخاباتی از سایر موارد مهم دیگری است که باید از سوی حکومت در گزینش آنان دقت رعایت گردد. ص۵



بدآموزی های کودتا های نظامی از داوود تا السیسی



ص۳

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس:وزیر محمد اکبرخان سرک۱۵کوچه B5خانه نمبر۲۶۲
شمارهٔ تلفن:۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵/ ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

رو آوردن به جرگه؛ با بودن نهادهای مشروع و قانونی!

حکومت افغانستان در نظر دارد تا جرگه ای را روی پیمان امنیتی افغانستان و امریکا، در کابل برگزار نماید. این اقدام حکومت، با واکنش مجلس نمایندگان و شورای همکاری احزاب و ائتلاف های سیاسی قرار گرفت. شورای همکاری احزاب و ائتلاف های سیاسی در نشستی اعلام کردند که حکومت نیات دیگری را - به هدف تلاش برای ابطال انتخابات و تداوم غیرقانونی دورهٔ کاری تیم حاکم –در قبال لویه جرگهٔ بدنبال دارد.

حکومت افغانستان در واکنش به این اظهارات گفته است، این جرگه تنها در مورد سند امنیتی افغانستان و امریکا برگزار خواهد شد و استفاده از آن، برای لغو انتخابات و تمدید دورهٔ ریاست حامد کرزی را بی اساس خوانده است. اما سخنگوی ریاست جمهوری نقش مردم را در مورد این توافقنامه برجسته ساخته گفته است که، "مردم افغانستان، با اشتراک شان از سراسر کشور، تصمیم نهایی خود را در رابطه به این توافقنامه خواهند گرفت."

امریکا که رهبری ائتلاف جهانی مبارزه با تروریسم را در افغانستان از اواخر سال ۱۳۸۰ هـ. خ به عهده دارد روابط میان دو کشور -افغانستان و امریکا - طی سال های اخیر، با تنش های زیادی همراه بوده؛ اما بعد از گشایش دفتر طالبان در قطر به نام "امارت اسلامی افغانستان" و بر افراشتن بیرق طالبان بر فراز آن دفتر، خشم دولت افغانستان، شورای عالی صلح، برخی احزاب، سازمان ها و نهادها را برانگیخت که حتی حکومت افغانستان باب گفتگو بر سر پیمان راهبردی با امریکا را -که در کابل جریان داشت - در واکنش به این موضوع بست و روابط بیشتر به سردی گرایید. آخرین فشار امریکا در پی این تنش ها اعلام گزینهٔ صفری نیروهایش در افغانستان است که نگرانی هایی را ایجاد نموده است.

در کشور مارسم بر این است، زمانی که چالش کلان ملی پیش آید، متوصل به مشوره و جرگه می شویم و یا هم روی ساختار سیاسی، اجتماعی و قانون گذاری کشور، جمعی زیر یک چتر گرد می آیند و در مورد فیصله صورت می گیرد.

مادهٔ ۱۱۰ قانون اساسی کشور لویه جرگه را عالی ترین مظهر ارادهٔ مردم افغانستان تعریف می کند، که متشکل از اعضای شورای ملی، رؤسای شوراهای ولایات و ولسوالی ها دانسته است. اما تا حال روی هر ملحوظی که بوده، در سطح ولسوالی ها انتخابات صورت نگرفته است که این حق از باشنده گان ولسوالی ها گرفته شده و صریحاً نقض قانون اساسی می باشد. کشورما در حال حاضر دارای نهادهای مشروع قانونی است. تصدیق نهایی سندهای مهم آنهم در سطح بلند بین المللی که به سرنوشت کشور و مردم افغانستان ارتباط می گیرد از صلاحیت شورای ملی می باشد. پس نباید این نهادهای قانونی را دست کم گرفت بلکه، در پی تقویت آن گام برداشت.

گزینه های غیر از انتخابات

◇نوشتهٔ راوی

هرچند تا انتخابات ریاست جمهوری ماهها فرصت باقیست اما چالش های فراراه انتخابات این سوال را بخصوص در محافل دیپلوماتیک در کابل بمیان آورده است که اگر شرایط طوری انکشاف نماید که انتخابات شفاف و بی طرفانه ناممکن گردد، گزینهٔ جانشین برای انتخابات چه خواهد بود؟

شکی نیست که یک انتخابات شفاف می تواند در اصلاح حکومت داری مؤثر باشد و مشروعیت برای نظام بمیان آورد اما با توجه به تجارب گذشته که در شرایط بهتر امنیتی، انتخابات شفاف ممکن نشد، آیا در شرایطی که جنگ شدت می گیرد، چنین انتخابات ممکن خواهد بود؟

امریکائی ها تاکید داشتند که انتخابات ریاست جمهوری به هر قیمتی باید برگزار گردد زیرا ما می خواهیم به دنیا بگوئیم که ماموریت افغانستان به خوبی به پایان رسیده و در آن کشور یک نظام دیموکراتیک حتی بعد از خروج نیروهای خارجی هم کار می کند. اما طالبان به این باور اند که هر انتخابات که در شرایط حضور نیروهای خارجی برگزار گردد، نامشروع است.

طالبان با درک این مسئله که اگر انتخابات در مناطق غیر پشتون نشین برگزار نگردد، امکان دارد جنگ شکل قومی بخود بگیرد، از همین اکنون فشار روی شمال را افزایش داده اند.

طالبان با توجه به تجارب انتخابات پارلمانی اخیر بخصوص در ولایت غزنی می دانند که اگر این انتخابات در مناطق پشتون نشین برگزار نگردد، یک رئیس جمهور غیر پشتون بقدرت خواهد رسید. با توجه به این حقیقت که مردم از انتخابات های گذشته دل خوشی ندارند، میزان مشارکت خیلی کم خواهد بود و در نتیجه دولت مانند گذشته برای مشروعیت بخشیدن به این روند، دست به تقلب خواهد زد.

رئیس جمهور جدید با مقاومت از جانب طالبان مواجه خواهد بود و این جنگ بر بستر تمایلات قومی حرکت خواهد کرد. غیرپشتون ها خواهند گفت که اگر پشتون ها این حکومت را نمی پذیرند ما هم آنها را نمی پذیریم. در نتیجه امکان عملی شدن «پلان بی» یعنی تجزیهٔ افغانستان به کمک امریکا بدور از امکان نیست.

بنابراین طالبان با تمام قوا در جهت مختل ساختن پروسهٔ انتخابات خواهند کوشید و شاید آقای کرزی هم از این کار زیاد ناراضی نباشد.

گزینه های بدیل:

در این اواخر بعضی از دیپلومات های خارجی در کابل بصورت غیررسمی از امکان بمیان آمدن یک حکومت موقت بعد از پایان کار حامدکرزی سخن می گویند. با توجه به این حقیقت که حتی در شمال کشور نیز وضع امنیتی درحال بدتر شدن است، می توان پیشبینی کرد که سال آینده که بخش اعظم از نیروهای خارجی افغانستان را ترک می کنند، وضع به مراتب ناگوار تر و امکان انتخابات با چالش های بیشتر مواجه خواهد بود.

حالا فرض را بر این می گذاریم که انتخابات ممکن نباشد. در این صورت گزینه های احتمالی چه خواهد بود؟

۱- گزینهٔ ماندن کرزی بر مسند قدرت:

الف: از طریق شرکت وی در انتخابات:

تلاش هائی در جریان است که در صورت برگزاری انتخابات، حامدکرزی باید در دور سوم هم مجال شرکت در انتخابات را داشته باشد. اقارب وی در ولایات جنوب غرب این سروصدا را بلند کرده اند که در شرایط فعلی کسی که بتواند به اندازهٔ کرزی در کار حکومت داری تجربه داشته باشد در میان کاندیدا ها وجود ندارد. بنابراین با توجه به شرایط حساس بعد از سال ۲۰۱۴ باید تغییراتی در قانون اساسی بمیان آید تا وی بتواند خود را برای دورهٔ بعدی نیز کاندید نماید.

این تقاضا در صورتی می توان عملی گردد که در قانون اساسی تغییر وارد آید اما مشکل تغییر در قانون اساسی با خود این قانون رابطه می گیرد. بر بنیاد قانون اساسی، بخش مهم لویه جرگهٔ قانون اساسی باید از طریق شورای های ولسوالی ها تکمیل گردد اما تاکنون شورای ولسوالی ها در افغانستان وجود ندارد. بنابراین تدویر لویه جرگهٔ قانونی که به تغییر در قانون اساسی حکم نماید، ناممکن است.

ب: از طریق تمدید دورهٔ ریاست جمهوری:

این کار نیز خلاف قانون اساسی است که از طریق یک لویه جرگه به تمدید دورهٔ ریاست جمهوری حامدکرزی پرداخت. اما در شرایط فوق العاده اگر یک لویه جرگهٔ عنعنوی فیصله نماید که نظر به شرایط نامساعد امنیتی نمی توان انتخابات را برگزار کرد، پس باید کرزی به حکومت خود ادامه دهد و جامعهٔ جهانی هم آنرا بپذیرد، این کار ناممکن هم ممکن خواهد شد.

مخالفین کرزی به این باور اند که حامدکرزی با بحران سازی و ایجاد نگرانی ناشی از خطر تجزیه و ملوک الطوایفی در صدد است تا از خود چهرهٔ یک قهرمان را به نمایش بگذارد و به تدویر چنین لویه جرگه بپردازد اما با توجه به مخالفت اپوزیسیون سیاسی حکومت با این برنامه، این کار نیز با مشکلات فراوان مواجه است و اگر این کار بدون یک اجماع ملی صورت گیرد، مشروعیتی برای حکومت کرزی به میان نخواهد آورد و بحران سیاسی مزید بر مشکلات موجود خواهد شد.

۲- گزینهٔ بمیان آمدن حکومت موقت:

همانگونه که قبلاً اشاره شد با توجه به میزان رشد روزافزون ناامنی ها، انتخابات شفاف و سراسری در افغانستان ممکن نخواهد بود. کمیسیون انتخابات هم برای مشروعیت بخشیدن به انتخابات از نظر میزان رای، تقلب را زیاد جدی نخواهد گرفت. در انتخابات های گذشته نیز چنین کار معمول بود.

در شرایط پر چالش اگر انتخابات فرمایشی برگزار گردد، حتی اگر امریکا هم از آن پشتیبانی نماید، حکومت بیرون آمده از چنین انتخابات از مشروعیت برخوردار نخواهد شد و در میان اپوزیسیون سیاسی هم اختلاف بمیان خواهد آمد بخصوص که این انتخابات از انتخابات گذشته یک فرق اساسی دارد؛ در دو انتخابات ریاست جمهوری گذشته، از همان آغاز کار مشخص بود که کرزی برندهٔ انتخابات است. در دور دوم داکتر عبدالله خوب می دانست که کرزی با تقلب به قدرت رسید اما چون امریکا نمی خواست تا این مسئله بحران بمیان آورد، از داکتر عبدالله خواست تا خاموش باقی بماند.

همانگونه که گفته شد، کم کم این تصور در ذهن خارجی ها قوت می گیرد که امکان انتخابات در افغانستان ضعیف است. یکی به دلایل ناامنی و دیگر موضوع عدم امکان انتخابات شفاف در کشور. امریکائی ها و در مجموع غربی ها کم کم به این باور رسیده اند که انتخابات بجای اینکه موجب ثبات در کشور گردد، برعکس می تواند حتی اپوزیسیون سیاسی حکومت را هم دچار اختلاف سازد.

بنابراین یک گزینه برای بیرون آمدن از این وضع، تعویق انتخابات و بمیان آمدن یک حکومت موقت از شخصیت های مستقل و اپوزیسیون حکومت فعلی خواهد بود تا مذاکرات صلح را سروسامان دهد. پیشرفت در مذاکرات صلح می تواند زمینه ساز امنیت و در نتیجه انتخابات با حضور مخالفین مسلح باشد.

ناگفته پیداست که حامد کرزی از این طرح در صورتی حمایت خواهد کرد که خود وی شانس قرار گرفتن در راس این حکومت را داشته باشد و این همان انتظار نیز هست که کرزی از لویه جرگهٔ فرمایشی که قبلاً به آن اشاره شد نیز دارد.

ص۷

بدآموزی های کودتا های نظامی

از داوود تا السیسی





وحید مژده

چهارشنبه ۲۶ سرطان سالروز کودتای داود خان در افغانستان بود. چهل سال قبل در چنین روزی، رژیم سلطنتی در افغانستان توسط یک کودتای نظامی سرنگون گردید که به عقیدهٔ بسیاری، زمینه ساز مصیبت های بعدی برای افغانستان شد.

کودتا را می توان گاهی بعنوان نزدیک ترین راه اما نه خوب ترین راه برای دست بدست شدن قدرت دانست. در کشور ما و بسیاری از کشور های دیگر که تجربه ای از کودتا دارند، رژیم های کودتاگر همیشه مشکل آفرین و کشتارگر بوده اند.

اما کودتای ۴۰ سال قبل در افغانستان هم بدآموزی داشت؛ زمانی که داودخان در سال ۱۳۵۲ هجری شمسی در افغانستان دست به کودتا زد و به اصطلاح «آب از آب تکان نخورد» تجربهٔ جدیدی از دست بدست شدن قدرت را بمیان آورد که پس از آن از هواداران دیموکراسی گرفته تا کمونیست ها و اسلامگراها همه به امید رسیدن به قدرت از نزدیک ترین راه ممکن، درصدد یارگیری از میان افسران اردو برآمدند که رقابت در این عرصه با پیروزی کمونیست ها به پایان رسید و دیگران به جنگ مسلحانه علیه اردوئی برخاستند که روزی خود امید داشتند به کمکش به قدرت برسند.

در این میان لااقل یک نفر بود که هنوز هم دلبستهٔ آن تجربه باقی ماند. گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی حتی در زمان قدرت کمونیست ها نیز از تلاش در این جهت باز نماند که در فرجام، بسیاری از افسران مسلمان در اردو فدای این تجربهٔ ناکام شدند. آخرین تجربه از این دست، بکارگیری از حربهٔ کودتا علیه داکتر نجیب با حمایت از کودتای شهنواز تنی بود که آنهم با شکست مواجه شد. بدآموزی های کودتا حتی پس از ریخته شدن خون بیش از یک میلیون افغان، هنوز هم دست از دامن اندیشه ها برنداشته بود.

اما در این نبشته، این قلم را قصد به نقد کشیدن گذشته نیست بلکه، انگشت نهادن به آسیب هائی است که بدآموزی های یک کودتای دیگر و در کشوری دیگر و دور از افغانستان می تواند بر سراسر جهان اسلام حتی در آیندهٔ نه چندان دور از خود بجا بگذارد. این بدآموزی از زاویهٔ دیگر ولی با تاثیرات مشابه خواهد بود.

***

نظامیان در مصر با سرنگون کردن حکومت محمد مُرسی رئیس جمهور منتخب این کشور، زمام امور را بدست گرفتند و این خبر دنیا را تکان داد. زیرا مصر در جهان اسلام و عرب کشوری مهم و تاثیر گذار بوده و جایگاه خاص خود را دارد.

کودتای نظامی در تاریخ معاصر مصر پدیدهٔ نادری نیست. پدیدهٔ نادر در تاریخ سیاسی معاصر این کشور، وجود حکومت های دیموکراتیک منتخب و برخوردار از رای مردم است اما چنین حکومت که بعد از انقلاب ملت علیه دیکتاتوری های نظامی بمیان آمد، فقط یکسال شانس ماندن بر اریکهٔ قدرت داشت و سپس توسط کودتای نظامی سرنگون شد. هواداران مُرسی می گویند که انقلابی که در بهار عربی آغاز شد و فرعونی را سرنگون کرد، اکنون توسط یاران فرعون در حال دزدیده شدن است.

من بیاد سخن یک ماهیگیر مصری می افتم. زمانی که در نتیجهٔ قیام مردم مصر، حکومت حسنی مبارک سرنگون شد، خبرنگار یکی از رسانه های بین المللی در کنار رود نیل، نظر یک ماهیگیر سالخورده را در مورد آن تحول پرسید. ماهیگیر گفت: مصر در طول هزاران سال توسط فراعنه اداره شده است. در سرزمین فرعون فقط فرعون می تواند حکومت کند! آیا او درست می گفت؟ آیا ملت مصر در طول هزاران سال تغییری نکرده و موسی «ع» هنوز در میان این قوم غریب است؟

از اینها که بگذریم، این سوال مهم در ذهن بمیان می آید که این کودتا چه تاثیری بر نهضت های اسلامی و در مجموع گروه های اسلامگرا و طرز فکر آنان در آینده خواهد داشت؟ آیا تحولاتی که در خیابان های قاهره و اسکندریه و سایر شهرها اتفاق می افتد می تواند روی چنین حرکت ها در سایر کشورهای اسلامی از جمله افغانستان هم تاثیر گذار باشد؟

بدون تردید ما در دنیائی زنده گی می کنیم که می توان آنرا عصر انقلاب رسانه ای نامید. در دنیائی که از نظر جغرافیائی بزرگ و از نظر ارتباطات کوچک است، هر حرکتی تا دور دست ها موج می آفرینند. اگر نیم قرن قبل چنین تحولات در کشور ما تاثیرات زیاد چشمگیر نداشت، امروز که ما هر لحظه از طریق رسانه های تصویری شاهد تظاهرات مردمی در مصر و کشتار های حامیان و دستگیری های رهبران اخوان هستیم، نمی توانیم از تاثیر آن بر فکر و ذهن خویش انکار کنیم.

بحث کودتای نظامی مصر تنها بحث رفتن یک نظام و برقراری نظامی دیگر نیست؛ اگر این کودتا علیه یک حکومت اسلامگرا و منتخب مردم نمی بود، شاید به این حد مورد توجه قرار نمی گرفت. آنچه در این میان نهایت مهم است بدآموزی های این کودتا و تجربهٔ تلخی است که گروه های اسلامگرا از آن خواهند آموخت و آموزه های چنین تجربه ای، به تندروی و خشونت میدان بازتری خواهد داد.

سرنگونی مُرسی که با حمایت بیش از ۵۰ درصد از مردم مصر به قدرت رسیده بود، بدست ارتش این کشور و خاموشی بزرگترین مدعی حمایت از دیموکراسی یعنی امریکا در برابر آن که حتی از گرفتن نام کودتا در برابر این اقدام ابا می ورزد، نشان می دهد که برای گروه هائی که خواهان اسلام هستند، این راه هرگز به مقصد نمی رسد. بنابراین عاقلانه نیست تا نهضت های اسلامی راهی را که قبلا تجربه شده و به مقصد نرسیده است، بار دیگر به آزمون بگیرند.

در گذشته سرخورده گی بعضی از گروه های اسلامگرا در مصر از رسیدن به قدرت از راه مسالمت آمیز، به بمیان آمدن گروه های تندرو، از جماعت الاسلامیه گرفته تا گروه های تکفیری در این کشور منجر شد اما با طلیعهٔ بهار عربی، این امکان که گروه های مسلمان هم می توانند بدون توسل به خشونت و از راه های دیموکراتیک به قدرت برسند و دیگر نیازی به دست بردن به اسلحه نداشته باشند، موجب گردید که بسیاری از اعضای این گروه های تندور به شمول القاعده به کشورهای شان بازگردند و در پروسهٔ سیاسی سهم بگیرند.

اما کودتای نظامی در مصر اینک بار دیگر این نظر را در میان این گروه ها تقویت می کند که رسیدن به قدرت جز توسل به اسلحه ناممکن است. به نظر می رسد که این تمایل از همین اکنون با حملات گاه گاه به نظامیان مصری در صحرای سینا چهرهٔ خویش را نمایان می سازد.

بهانهٔ برای ویرانگری و تخریب!

ابوبکر سبزوار

بدنبال این خبر که نیروهای امریکایی تجهیزات نظامی خویش به ارزش ۷ میلیارد دالر را در افغانستان تخریب کرده اند، اکنون از احتمال تخریب یک پایگاه مدرن در ولایت هلمند خبز می رسد. این خبر زمانی به رسانه ها راه یافت که از زبان جان سپکو بازرس ارشد امریکائی نقل شد که، یک پایگاه بزرگ نیروهای امریکایی که با مصارف ۳۴ میلیون دالر در ولایت هلمند ساخته شده بود، اکنون ممکن است تخریب گردد.

جان سپکو بازرس ارشد امریکایی که در مورد مصارف امریکا در افغانستان تحقیق می کند گفته است که، این پایگاه برای یک کندک از سربازان ویژهٔ امریکایی که قرار بود به افغانستان بیایند ساخته شده بود اما این کندک هرگز مجال آمدن به افغانستان را نیافت. بنابراین احتمال دارد تا این پایگاه تخریب گردد.

بدنبال نشر این خبر، مقامات دولتی در ولایت هلمند با نیروهای امریکایی در تماس شدند. به گفتهٔ سخنگوی والی هلمند، اکنون مذاکرات با مقامات نیروهای دریایی امریکا برای سپردن این پایگاه به جانب افغانی آغاز گردیده است و امید می رود که این عمارت بجای اینکه ویران گردد به نیروهای افغان سپرده شود.

اما با وجود این خوشبینی مقامات ولایت هلمند، یک مشکل در راه سپردن این پایگاه به نیروهای افغان وجود دارد؛ این پایگاه در بخش امریکایی پایگاه بزرگ شوراب «لیدرنیک» ساخته شده واز نظر امنیتی شاید سپردن آن برای نیروهای افغان در شرایط کنونی مشکل باشد بخصوص با توجه به بی اعتمادی که میان نیروهای افغان و خارجی وجود دارد.

سخنگوی والی هلمند می گوید که، در اطراف لشکرگاه مرکز ولایت هلمند ساختمان های مشابه وجود دارد که توسط نیروهای خارجی اعمار گردیده که بعد از خروج نیروهای خارجی از افغانستان، به جانب افغانی سپرده خواهد شد.

جان سپکو بازرس خاص امریکا برای افغانستان یک دلیل ویران کردن بجای سپردن آن به جانب افغانی را ناتوانی افغان ها از استفادهٔ درست از آنها عنوان کرده بود اما سخنگوی والی هلمند می گوید که، برخلاف سخن جان سپکو، افغان ها قادر اند بخوبی از این ساختمان ها حفاظت و نگهداری نمایند.

لازم به تذکر است که در طول دوسال گذشته نیروهای خارجی هنگام خارج شدن از مناطق مختلف افغانستان، تعداد زیادی از ساختمان ها و پایگاه های خویش را ویران کردندو همانگونه که برای ساختن این پایگاه ها صدها میلیون دالر هزینه کرده بودند، برای ویران کردن آن نیز به کمپنی ها صدها میلیون دالر پول می دهند.

آنچه که بسیار مضحک می نماید اینست که، امریکایی ها که می گویند افغان ها توان حفظ و نگهداری این تاسیسات را ندارند و به همین دلیل بجای اینکه این پایگاه ها را به نیروهای افغان بسپارند، تخریب می کنند. آیا امریکایی ها گمان نمی کنند از یک تعمیر که خوب نگهداری هم نشود، می تواند برای سال ها مورد استفاده قرار گیرد و این بهتر از ویران کردن آنست. آیا صرف این احتمال که شاید در آینده از این تعمیر خوب استفاده نشود می تواند ویران کردن آنرا توجیه نماید؟

این درست همان توجیهی است که در تخریب وسایل نظامی نیز بکار گرفته شد یعنی افغان ها توان استفاده از این تجهیزات را ندارند و بنابراین باید تخریب شوند.

شکی نیست که در این مورد حکومت افغانستان نیز مقصر است. تخریب پایگاه ها از مدت ها قبل آغاز شده ولی حکومت افغانستان در این مورد هیچ عکس العملی نشان نداد. یک جنرال اردوی افغان از یک نظامی خارجی نقل می کرد که، وی می گفت: نیروهای افغان با اموال و وسایل دولتی کاملاً با بی احتیاطی عمل می کنند گوئی با آنها دشمنی دارند. وی بعنوان مثال از موترهای رینجر که به اردوی ملی و پولیس داده شده است می گفت که، فیصدی قابل توجهی از آنان در نتیجهٔ بی احتیاطی راننده گان دچار عوارض شده و یا از کار افتاده اند.

اما حتی همین دلیل هم برای توجیه این نظر کافی نیست که، چون شما از وسایل و تجهیزات بصورت درست استفاده نمی کنید، ما آنها را تخریب می کنیم.

خشونت و عواقب ناگوار آن بر کودکان



سخی صارم

سیستم سرمایه داری در اوج قدرت و ثروت ناگهان با حملات نو ظهور و ناباور از خارج مقابل گشته و از درون با مرگ اخلاق اسیر پنجهٔ سودجوی و نفس پرستی شده است. اثرات این دو عامل در آغاز چنان پایه های سیاست و اقتصاد را به لرزه در آورده که گویی زنگ خاتمه دوران کاپیتالیسم به صدا در آمده و از مسافتی نه چندان دور به گوش می رسد. فروپاشی این کاخ عظیم که از بزرگی سر به فلک می ساید نظم جهان را برهم ریخته و جهانیان را به وحشت و اضطراب انداخته است. آن غیظ و غضب بیمار گونه و این خود خواهی و لذت طلبی جاهلانه پدران و مادران را چنان در گیر کرده است که کودکان وحشت زده به حال خود رها شده اند. یونیسف گزارش می دهد که در ده سال اخیر قریب ۵۴۰ میلیون کودک در شرایط نا آرام و وحشتناک بسر بره اند . شش میلیون ناقص العضو و علیل شده اند، ۱۲ میلیون آواره شده اند و ۱۰ میلیون کودک از آسیب روانی رنج می برند.

فروپاشی خانواده و به هم ریختگی نظم جهان کودکان را نخستین قربانیان خود کرده است. بیماری های روانی کودکان در جهان گسترده است اما در کشورهای پیشرفتهٔ صنعتی رقم بالاتری دارد. مثلاً در هندوستان ۱۲درصد کودکان به بیماری روانی مبتلا هستند. در جاپان ۱۵درصد، در اتیوپی ۱۷درصد، در آلمان ۲۰درصد، در امریکا ۲۱درصد و در سویس ۲۲درصد گزارش شده است. کودکان نه تنها قربانی اضطراب و استیحاش هستند که بر جهان حکم فرما است بلکه، از دو عامل دیگر با شدت در رنج و عذاب اند:

–اول فروپاشی خانواده است. در نتیجه به سر بردن در خانه های نا آشنا و با افراد نا مأنوس از یک طرف و محرومیت از نوازش و پرورش پدر و مادر از طرف دیگر، آنها را به شدت عصبانی و بی قرار می دارد.

– دوم زجر و شکنجهٔ روحی، بدنی و جنسی آنها است. در صورتی که مستقیماً مورد آزار قرار نگیرند مشاهدهٔ صحنه های خشونت آمیز به همان درجه برای آنها آزار دهنده و بیماری زا است. این کودکان اکثراً پس از بلوغ به عاملین خشونت و قاتل در اجتماع تبدیل می شوند. بنا بر این یکی از راه های جلوگیری از خشونتی که اکنون رو به افزایش است شناسایی کودکان رها شده و یا آزار دیده است تا با حمایت آنها از طریق همکاری موسسات اجتماعی، تربیتی و قضایی این دایرهٔ فاسد خشونت را بشکند و از تعداد مجرمین بکاهد. زمانی که زجر کودکان به هر نوع، شدید و مکرر باشد از سن نوجوانی آثار خشونت در آنها ظاهر می شود و آمادهٔ جنایت به هر سویه می توانند شوند. ابراز خشونت کودکان با اسلحهٔ گرم اکنون در کشور های صنعتی جهان حالت نگران کنندهٔ دارد. میزان کشتن افراد به وسیلهٔ کودکان زیر ۱۵ سال در امریکا، ۱۶ برابر بیشتر از ۲۵ کشور صنعتی جهان است.

– سوم از میان عللی که گرایش به ابراز خشونت با اسلحه را در کودکان سبب می شود وجود اسلحه در خانه و مشاهدهٔ آدم کشی بزرگ سالان خاصه در پردهٔ سینما و تلویزیون است. وجود اسلحهٔ گرم در خانه و سهولت دسترسی کودکان به آن واقعیت تلخ و خطر ناک در حیات نوجوانان است. تخمین زده می شود. ۴۴ میلیون امریکایی در ۱۹۰ میلیون اسلحه در اختیار دارند. به عبارت دیگر در نصف خانه ها انواعی از این سلاح و حود دارد و کودکان در حالی به آن دسترسی دارند که حاوی گلوله و آمادهٔ تیر اندازی است. آمار ها نشان می دهد که نگهداری اسلحه در هر خانه میزان خود کشی را ۵ برابر و احتمال آدم کشی را ۳۱ برابر افزایش می دهد. در یک همه پرسی بین شاگردان صنوف متوسطه در امریکا ۷ درصد شاگردان اقرار کرده اند که حامل اسلحه بهٔ مکتب خود بوده اند. براین اساس تخمین زده می شود که هر سال یک میلیون دانش آموز با خود اسلحه به مکتب می برند.

بررسی ها حاکی است که علت حمل اسلحه احساس عدم امنیت و ترس از هم سالان است. باری جلوگیری از خشونت باید کودکان و نوجوانان را از خطر آزار و شکنجه بر کنار داشت و کسانی را که مرتکب آزار می شوند به شدت تحت تعقیب و مجازات قرار دهند. شاید این سوال پیش آید که آثار و عواقب زجر و شنجهٔ اطفال چه نوع آشفتگی روانی به وجود می آورد در این نوشته به دو شکل روحی که از نتایج آزار کودکان است، اشاره می شود:

اول: پژوهش های بسیار در (۵۰) سال اخیر نشان می دهد که غفلت طولانی در پرورش کودکان و زجر و شکنجهٔ مکرر آنها و به ویژه تجاوز جنسی در خُرد سالی در ۴۰ تا ۷۰ درصد موارد نوعی از بیماری شخصیت به وجود می آورد به نام که شاید "شخصیت بی قرار "یا" ناهنجاری شخصیتی در حد مرز " ترجمهٔ مناسب باشند . در این مبتلایان علایم یک نوع بیماری روانی و یا ضعف اعصاب دیده نمی شود بلکه، از هر بیماری روانی ممکن است در آنها نمونه ای باشد. علایم آنها را به شرح زیر می توان خلاصه کرد:

۱- مشکل ارتباط با سایرین دارند و از نظر آنها دیگران همه مقصر و گناه کار اند.

۲ -از نظر آنها هر امری یا بسیار خوب و یا بسیار بد است و حد فاصلی بین این دو بی نهایت نیست.

۳ -رفتار غیر قابل پیش بینی و فاجعه آمیز آنها برای نزدیکان حیرت انگیز است.

۴ - حالات خُلقی آنها از افسردگی و خود کم بین و خودکشی تا خود بزرگ بینی و خشونت و آدم کشی تغییر پذیر است.

۵ -حرکات جنون آمیز آنها ممکن است علایمی از تجزی شخصیت داشته باشد. باری پاتولوژی (شناخت علت بیماری) آن مطالعات زیادی انجام شده است. اخیراً تغییرات ساختمان مغز در آن های که سابقهٔ زجر و آزار در کودکی داشته اند مشاهده شده است. نظریه های نیز بر اساس ژن صورت گرفته است.

دوم: ناراجتی های روانی پس از ضربه های روحی مشکل دیگری است که پس از شکنجه و آزار تظاهر می کند. این حالت ممکن است بر اثر حوادث غیر منتظره و سهمگین مانند جنگ و انقلابات جوی از قبیل: طوفان، سیل، زلزله، آتش فشان به وجود آید. اما در کودکانی که زجر دیده اند نشانه های زیر به وجود می آید:

۱-این کودکان بسیار حساس و زود رنج هستند.

۲-خواب های آشفته می بینند.

۳- در مکتب و یا خانه به یاد زجر و شکنجه ای که شده اند در دریایی از خیال فرو می روند و در نتیجه تمرکز فکری برای یاد گیری ندارند.

۴- گوشه گیر می شوند و از رفتن به مکتب سر باز می زنند.

۵- پرخاشجو هستند و گاهی صحبت از خود کشی می کنند.

۶- گاهی فشار درونی آنها با تظاهرات بدنی مانند درد شکم و استفراغ و اسهال تظاهری می کند در صورتی که زجر جسمی مطرح است. علامتی که در بسیاری از کودکان شکنجه شده و آزار دیده عمومیت دارد و تا پایان حیات ممکن گریبان گیر شان باشد آن است که، همهٔ افراد را زجر دهنده می بینند و به هیچ کس اعتماد نمی کنند و حالتی از سوء ظن یا (پارانویا) در اغلب آنها دیده می شود. در مواردی هم ممکن به مواد مخدر پناه برند و به صورت افراد تجاوز کار و غیر مسؤول اثرات آزار دوران کودکی را منعکس نمایند. برای درمان این کودکان باید محیط امن و آرام مهیا گردد و زمینهٔ تعلیم و تربیت را برای شان طوری مساعد ساخت تا آهسته آهسته فضای بی باوری و بی اعتمادی که ذهن نشین شان شده است، جایش را باورمندی و محبت تبدیل نماید.

کودتا به بهانهٔ دموکراسی بر...

از راه دموکراسی استفاده کردند و با اجتماعات پیهم، رئیس جمهور مردمی و با رأی قاطع ملت برگزیده شده را نشانه گرفتند...

مصر، با آن تاریخ دراز و تمدن های قدیمی و با نهضت اسلامی بپاخاسته از مبارزات سید جمال الدین افغانی و رشد یابنده از مفکوره های اصیل امام حسن البناء، میدان دیگر توطئه گران ضد دموکراسی با نام دموکراسی بود... مردمی از تبار شهدا و قهرنانیان راه خدا و آزادی که قریب صد سال در راه آزادی و مردمگرایی مبارزه کرده اند و صدها دانشمند و متفکر بزرگ اسلامی را در این راه به قربانگاه فرستاده اند و از شهید امام حسن البناء و شهید استاد سید قطب آثار معتبری بجا مانده است (تفسیر نامدار سید قطب شهید دوبار در کشور ما چاپ شده، یک بار قسمتی از آن در آخرین سال های سلطنت، توسط شهید استاد برهان الدین ربانی و بار دگر در حکومت موجود.)

هزاران نفر از اعضای برجستهٔ اخوان المسلمین در زندان ها و شکنجه گاه های رژیم ناصر تا مبارک به جرم اسلام و آزادی تعذیب شده اند و... اما یک سال گذشته و با انقلاب مردمی در مصر و فروپاشی رژیم بیداد گر حسنی مبارک، با رأی مردم و با همه توطئه ها و دسایس خارجی و استبداد داخلی، سرانجام چهرهٔ متخصص و تحصیل یافته، حافظ قرآن کریم و درد آشنای مردم، دکتور محمد مُرسی به حیث رئیس جمهور مردمی، برگزیده شد. جهان، انگشت حیرت به دهان گرفت و شاهد پیروزی حزب اخوان المسلمین گردید، حزبی که دهه ها زیر سرکوب و استبداد قرار داشت و این همه شهادت ها و کشتار ها، نتوانست جلو محبوبیت مردمی آن را بگیرد و با انقلاب مردمی و آزادی به مردم دوباره از زیر ضربات دیکتاتوری دهه ها، سر بلند کرد و با رأی مردم به قدرت رسید!

امام دشمنان آزادی و دموکراسی، بازهم بر ضد این مردمگرایی دست به توطئه و دسیسه زدند و از راه دموکراسی و آزادی و تظاهرات و تجمع در میدان ها، بر ضد این حکومت تازه و مردمی، قیام کردند... همه گروه های طرفدار لیبرال و دموکراسی غربی و شکست خورده ها در انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی که گروهی از اسلامگرا ها را نیز با خود کرده بودند، برابر رئیس جمهور قرار گرفتند...

رئیس جمهور، قسمت های از اعتراضات را پذیرفت و چند حکم ریاست جمهوری را لغو کرد اما اعتراض کنندگان، خواهان برکناری او بودند و سرانجام اردو به میدان آمد، افسران اردو که از بقایای رژیم ها دیکتاتوری از ناصر تا مبارک بودند، به نام دموکراسی و آزادی و در حمایت از خواست و ارادهٔ مردم، رئیس جمهور برگزیده را زندانی کردند و جواب دموکراسی و آزادی را با زور سر نیزه و تانک دادند!

امام مردم بیدار مصر، صحنه را ترک نکردند، میلیون ها مصری در مرکز و شهرهای دیگر از رئیس جمهور برگزیدهٔ خویش حمایت کردند و بزرگترین اجتماع میلیونی را در تاریخ جهان، ثبت کردند... مردم مصر، یک بار دگر حمایت خود را از رئیس جمهور مردمی و در این ماه مبارک رمضان نیز ادامه دادند و ده ها قربانی در جمهور مردمی و در این ماه مبارک رمضان نیز ادامه دادند و ده ها قربانی در راه خدا و به خاطر اثبات حق و ارادهٔ خود، دادند...

جای تعجب است که برخی از کشور های اسلامی، به جای حمایت از انتخاب مردم و رأی آنان و پشتیبانی از مردم مسلمان مصر، با حکومت عسکری و بظاهر ملکی مصر، حمایت کردند و کمک های مالی را با حکومت غاصب و زور گو، آغاز کردند و بدین وسیله راه خود کامگی و استبداد را در پیش گرفتند و با رأی و خواست مردم، اعتنایی نکردند...

سلام بر نهضت اسلامی و مردمی مصر
سلام بر مردم هوشیار و بیدار مصر
پیروز باد مقاومت و ایستادگی زنان و مردان دلیر مصر
زنده باد آزادی و مردمگرایی
نابود باد زور، سر نیزه و سرکوب.

خطاب به جوانان وطن!

◇ عبدالحق امیری
۱۰ جولای ۲۰۱۳، ژنیو

جوانان عزیز وطنم!

این چند سطر پراگنده را بادر نظرداشت وضع اسفبار وطن و در روشنایی تجارب تلخ و شیرین جوانان دنیای عرب که نگارنده در پنج سال گذشته شاهد آن بوده است، مطرح می کنم.

تصمیم و قضاوت را بشما می گذارم، باید در ابتدا یاد آور شوم که نگارنده برای پنج سال تمام در دنیای عرب زندگی داشتم و به مقتضی کار رسمی در بسا مسایل بطور مستقیم و یا غیر مستقیم دخیل بودم. در این اثنا با جمعی زیادی از رهبران و سایر بزرگان دولتی، رهبران حرکت های جوانان، رهبران و شخصیت های سیاسی از طیف های مختلف جامعه، نویسندگان شهیر، تحلیل گران امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، و مقامات دپلوماسی کشورهای مقتدر و متنفذ ملاقات و آشنایی داشتم. در جریان آشوب های مردمی دنیای عرب که در ابتدا به بهار عربی شهرت یافت و مردم دنیا را به حیرت وا داشت از ابتدا تاکنون نه تنها از نزدیک شاهد تطورات و تغییرات بودم بلکه، بگونه های مختلف در رسیدگی به پیامدهای انسانی این آشوب و یا انقلاب مردمی دخیل بوده ام. از تونس تا مصر، از لیبیا تا یمن و از بحرین تا سوریه از نزدیک شاهد تغییرات و بازی های سیاسی و نقش جوانان در این بازی ها بودم و هستم. در این مدت بارها به کشورهای انقلاب دیده چون: لیبیا، تونس، یمن و سوریه سفرهای کاری داشته ام و در این سفر ها ملاقات های رسمی و غیر رسمی با بزرگان دولتی، رهبران و شخصیت های احزاب و گروه های معترض، از جمله جوانان داشته ام.

در ابتدای بحران در لیبیا سفری به لیبیا داشتم که در این سفر به مشورهٔ آقای مصطفی عبدالجلیل رهبر مخالفان قذافی یک جوان لیبیایی را ملاقات کردم که رهبری تظاهرات را بعهده داشت و در روزهای اول انقلاب به زندان انداخته شده بود لکن جوانان همقطار اش با خشم و غضب دروازه های زندان را شکستند و او را آزاد ساختند. از وی پرسیدم چه می خواهند. گفت، ما در قرن ۲۱ زندگی داریم، اما از بنیادی ترین حق انسانی بی بهره هستیم. ما می خواهیم مانند سایر جوانان دنیا آزاد و با عزت و وقار زندگی کنیم، سرنوشت خود را خود ما تعیین کنیم و... هدف ما آزادی بیان و اندیشه، اعادهٔ کرامت از دست رفتهٔ جوانان عرب، و زندگی آرام و مرفه می باشد.

در مصر دیدیم که شعار نسل جوان را، همان: آزادی، اعادهٔ کرامت انسانی و عدالت اجتماعی تشکیل می داد. این شعار تا یمن و سوریه رسید اما دکتاتوران این کشورها فرصت یافتند از خطاهای مبارک، زین العابدین و قذافی بیاموزند، و با کشتار بی رحمانهٔ نسل جوان و مردم بیگناه به سلطهٔ جابرانهٔ شان ادامه دهند، آنهم به قیمت ویرانی کشور و دربدری مردم بیچاره و مستضعف آن.

با در نظرداشت تجارب فوق می خواهم نکات آتی را با نسل جوان کشور در میان بگذارم:

اول: باید باور داشت که اراده و تصمیم راسخ نسل جوان یک کشور شکست ناپذیر است. اما این امر وقتی تحقق می یابد که جوانان کشور بر محور یک هدف مشترک جمع شده متحدانه و صادقانه یک همبستگی دوامدار و پایدار را ایجاد کنند. شما سرمایه های اصلی برای آیندهٔ کشور محسوب می شوید. بنابر این قدرت شما، نیروی شما، و ارادهٔ محکم شما شکست ناپذیر می باشد. سیاستمداران –بویژه زمامداران –در هر کشوری که باشند برای جلوگیری از رستاخیز نسل جوان تلاش می ورزند. این نسل نوین با پتانشیل را به گروه های مختلف تقسیم بندی کنند و در اختلافات عقیدتی، سیاسی و قبیله ای مصروف و پراگنده نگه دارند شان تا نسل جوان نتواند به گرد اهداف مشترک جمع شوند و نتوانند دیوارهای قصر های حکام شانرا به لرزه درآورند. همواره سیاستمداران مکار هنگامی که بخواهند نظامی را به زانو در آورند تلاش می کنند آنها را به خیابان ها دعوت کرده از نیروی آنان برای رسیدن به اهداف سیاسی استفاده به عمل آورند.

قیام های بهار عربی نشان داد که رستاخیز بزرگ جوانان در کشورهای که هدف مشترک داشت توانست قوی ترین دیکتاتورها را به زانو در آورد. در مصر نسل جوان توانست مرد آهنین دنیای عرب را به سقوط مجبور سازد که زنگ خطری بود برای سایر رهبران دیکتاتور در کشورهای منطقه و حتی فرا منطقه ای. شما هنوز از ورای پرده های تلویزیون ها شاهد حوادث در مصر هستید و نقش مثبت و منفی نسل جوان را مشاهده می کنید.

دوم: برای موفقیت هر انقلاب و یا رستاخیز مردمی به رهبری نسل جوان باید چند فکتور عمده درنظر گرفته شود: اینکه یک انقلاب مردمی باید اهداف معین و واضح داشته باشد؛ کافه مردم از این اهداف حمایت کنند؛ رستاخیز طیف های مختلف جامعه با عقاید و ایدیولوژی های مختلف را در بر گیرد؛ ارتش کشور و ارگان های امنیتی در پهلوی مردم و انقلابیون قرار گیرد (یعنی ارتش، پولیس و ارگان های امنیتی ملی، مردمی عمل کنند نه چون ملیشه های نظام و یا دکتاتور)؛ کشورهای مقتدر دنیا خواسته یا ناخواسته حمایت شانرا از رستاخیز مردمی اعلان دارند. این تجربه ای بود که در تونس، مصر و لیبیا به موفقیت انجامید. اما در سوریه و یمن به علت های مختلف رستاخیز های مردمی نتوانست همه فکتورهای یادشده را در بر گیرد؛ در نتیجه این کشورها مسیر نا درستی را در پیش گرفتند که سوی گودال های ویرانی و بربادی روان اند.

سوم: هرگاه نسل جوان و انقلابی در تطبیق اهداف شان متحد باقی نمانند و به گروه ها و دسته های سیاسی، عقیدتی و قبیله ای تقسیم شوند، به اهداف انقلاب دست نمی یابند، در میانه راه از کاروان موفقیت عقب می مانند، و در ساختار حکومت جدید و مورد نظر نقش تعیین کننده نخواهند داشت. تجارب جوانان مصر نشان داد که چگونه آرمان های پاک و ناب نسل جوان طعمهٔ آتش نفاق و اختلافات عقیدتی و سیاسی گردیده است – تا جایی که کشور را در مسیر های تاریک، مدحش و ویرانگر، رهنمون می سازد. خیابان های مصر آلوده به خون جوانان پاک طینت و نیک اندیش است که جز آزادی بیان، آزادی عقیده و اعادهٔ کرامت انسانی چیزی دیگری توقع ندارند. جوانانی که دو سال قبل در پهلوی هم متحدانه دست بدست یکدیگر شباروزی در میدان تحریر و سایر میادین شهرهای عمده کشور برای سقوط حکومت مبارک شعار می دادند. امروزه به دسته های مخالف و موافق تقسیم شده اند و با ادامهٔ تظاهرات گروهی و عقده مند حیات روزمره را برای مردم عادی کشور جهنم ساخته اند. دیده می شود که این نسل جوان به زودی توسط سیاستمداران پیر و زال به گروه ها و فرقه ها تقسیم شده اند. دیگر اتحاد در هدف را از دست داده اند. بنابر این بازی های سیاسی کشور در میان پهلوانان سیاسی کهن فکر و کهن اندیش چه از اسلام گرایان و چه از سیکولار ها و بازماندگان حزب وطنی به رهبری مبارک صورت می گیرد. نقش جوانان در تصمیم گیری های پشت پرده ای، اندک و ناچیز است.

چهارم: فقدان رویت رهبری سالم چه از طرف جوانان انقلابی و چه از طرف رهبران سیاسی باعث هرج و مرج و ویرانی کشور می گردد. مثال آنرا در یمن و سوریه مشاهده می کنیم. در سوریه بعد از سه سال هنوز مخالفین دولت نتوانسته اند به یک اتحاد نسبی دست یابند که بتواند قوت های مخالف را بر محور یک هدف مشترک جمع کند. دیده می شود که همانند دوران مجاهدین در وطن ما گروه های مسلح در سوریه بعوض توحید صفوف در برابر دشمن مشترک وقت و نیروی خود را در تخریب و تضعیف یکدیگر بخرچ می رسانند . این امر باعث شده است تا دولت روز تا روز به موفقیت های نظامی بیشتر دست یابد و امید مردم را برای آینده درخشان با یأس و نومیدی مبدل سازد . همواره فقدان رهبری سالم باعث ویرانی کشور و دربدری میلیون ها انسان شده است: این در حالیست که بیشتر از صدها هزار انسان تاکنون کشته شده است و صدها هزار جوان –پسران و دختران –در سلول های زندان های وحشتزا مورد شکنجه و آزار، قرار دارند.

پنجم: جوانان وطن! ما نمونه های این نفاق و پیامدهای تلخ و مخوف آنرا از دهه ها به اینطرف در وطن خود تجربه می کنیم. امروز شماری جوانان کشور ما با مغزشویی و دستور بیگانگان با جلیقه های انفجاری جان های خود و هموطنان ما را می گیرند؛ کاری که در تاریخ دور و دراز و پرخون کشور ما سابقه ندارد. آیا این وحشت نیست؟ پس شما جوانان کشور در این مورد مسؤولیت ندارید؟ صلح و آرامش از نیازهای اولیهٔ انسان بحساب می رود. این نیازمندی زمانی برآورده می شود که شما جوانان درک مسؤولیت کنید و با ایجاد اتحاد و همبستگی مستدام بر محور اهداف ملی و مردمی صلح و آرامش را بجای جنگ، ویرانگری و تفرقه های سیاسی، گروهی و قبلیه ای، مستقر سازید.

اما جوانان کشور من!

می بینیم که نسل جوان ما وقت شان را، در این که "دانشگاه بگویم یا پوهنتون"، ازبیک ایم یا هزاره؛ پشتون ایم یا تاجیک؛ از کدام گروه سیاسی هستیم یا نیستیم و ...، هزینه می کنند. سکان داران امور نیز گاهی با صدور فرمان مردم را از تکلم با زبان مادری شان باز می دارند، مصطلحات ملی می تراشند، روز دیگر نام یک مکتب را از یک شخصیت قومی به دیگر شخصیت قومی تبدیل می کنند و باری برای شمولیت در امتحان کانکور برای ولایات سهمیه مقرر می کنند؛ فکر می کنند توانایی ها و استعدادهای جوانان کالا های امدادی است که باید سهمیه بندی شود. ایشان به این طریق هم به نسل جوان و هم به عام مردم اهانت روا می دارند و به این ترتیب نیروی سازندهٔ جوانان را در جدل های بی معنی و ویرانگر مصرف می کنند و خود شان برای بقای قدرت برنامه ریزی می کنند.

جوانان عزیز! بدانید که امروز و آینده از آن شما و در دست شما است. اگر شما جوانان با یکصدا مرگ به جنگ بگویید؛ مرگ به فساد بگویید؛ مرگ به نفاق بگویید؛ افغانستان را سربلند و آزاد، متحد و یکپارچه و برای همه بخواهید، یقین کنید که هیچ نیرویی وجود ندارد که در برابر شما قرار گیرد. در مصر هنگامی که جوانان مسلمان در میدان تحریر و در الکسندریه مصروف ادای نماز جمعه بودند، جوانان مسیحی (قبطیان) سپر انسانی تشکیل داده در برابر پولیس و نیرهای امنیتی مبارک از مسلمانان حمایت کردند. در مصر جوانان اخوانی، سلفی، سوسیالیست، سیکولار و قبطی دست بدست هم دادند و با یک صدا شعار "اسقط اسقط یا مبارک" را به پیروزی رساندند.

هان ای جوانان وطنم! شما هم برای رسیدن به هدف بزرگ باید پیوند های عقیدتی، سیاسی، عرقی و قبیله ای، وغیره را دور بیاندازید و بر محور اهداف سترگ که همانا ختم جنگ، ختم فساد، ختم سیاست های شیطانی، ایجاد افغانستان مستقل و آزاد برای همه، و...، جمع شوید.

توشیح و تصویب دو ...

این قانون در حال مورد تصویب و توشیح قرار گرفت که اخیراً کمیسیون انتخابات هشدار داده بود، در صورتی که تا چند روز سرنوشت این قانون مشخص نشود، آنان فعالیت های خویش را بر اساس فرمان تقنینی آغاز خواهند کرد.

حالاکه این قانون توشیح شده است دیده شود که انتخابات بر مبنای مؤیدات و مفاد آن صورت می گیرد یا خیر؟

طبق یک رخداد دیگر طرح قانون ثبت احوال نفوس بعد از ماه ها جنجال و بحث های قومی در مجلس نمایندگان، با وجود مخالفت های قومی روز دوشنبه توانست از سد این مجلس بگذرد.

طرح قانون ثبت احوال نفوس در ۵ فصل و ۳۹ ماده که از ماه ها قبل برای تصویب به این مجلس فرستاده شده بود، به دلیل مخالفت های شدید قومی تصویب نشده بود. با آنکه شماری از اعضای مجلس در جلسه، به علامت اعتراض مجلس را ترک کردند و در رأی گیری اشتراک نکردند، با آنهم تعدادی بر تصویب این قانون تأکید کردند و به تاریخ ۲۴ سرطان به آن رأی مثبت دادند.

برخی از اعضای مجلس بر این نظر بودند که باید قومیت در شناسنامه ها درج گردد و هویت مردم پای مال نشود، اما در مادهٔ از این قانون که چندی پیش از سوی اکثریت اعضا به تصویب رسید، فیصله شد، تا قومیت در شناسنامه درج نگردد و این موضوع به منظور حل اختلاف به کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی فرستاده شد.

در جوابی که از سوی این کمیسیون به مجلس نمایندگان ارسال شد، تصریح گردید که درج قومیت در شناسنامه ها برخلاف قانون اساسی نیست، اما پیشنهاد شده بود که این معلومات، در یک کارت حافظه درج گردد.

طرح قانون ثبت احوال نفوس در حالی به تصویب رسید که شماری از نمایندگان می گویند که مجلس این قانون را به خواست یک قوم خاص به تصویب رسانده است.

در همین حال جلسهٔ روز چهارشنبهٔ مجلس نمایندگان با سخنان انور سادات در اعتراض به عدم درج هویت قومی در تذکرهٔ برقی به جنجال کشیده شد. به گفتهٔ آقای سادات، یکی از اعتراض کنندگان محمود خان سلیمان خیل بود که در اسناد محرمانهٔ سفارت آمریکا در کابل افشا شده در ویکی لیکس، به مقامات این سفارت گفته بود که بیش از نیمی از طالبان را کوچی ها تشکیل می دهد. انور سادات اوزبیک، سیاست حکومت افغانستان را مورد انتقاد قرار داده افزود که، دست آورد این حاکمیت طی ده سال گذشته جز انفجار و انتحار، فساد چیزی دیگری نداشته، اما با ادامهٔ سیاست های نفاق افگنانه در پی حذف هویت های قومی دراین سرزمین است. گفته های آقای انور.سادات خشم کمال ناصر اصولی نمایندهٔ دیگر را بر انگیخت و به سوی او یک جلد کتاب را پرتاب نمود. در گذشته ها معمول این بود که هنگام درگیری فزیکی نمایندگان بالای یگدیگر بوتل آب پرتاب می نمودند، اما از اینکه درگیری اخیر مصادف با رمضان بود، در فقدان بوتل آب، از کتاب استفاده صورت گرفت.

در همین حال قانون تحصیلات عالی که برسر درج واژهٔ دانشگاه و پوهنتون نمایندگان اختلاف دارند، تا هنوز به تصویب مجلس نرسیده است. انتظار می رود که این قانون به تصویب برسد و تحصیلات عالی کشور در پناه آن به فعالیت های نظام مند اکادیمیک طی طریق نمایند.

فساد دولت و عملیات انتحاری!

اندیشمند

عملیات انتحاری و بحران بی ثباتی و جنگ با فساد دولت افغانستان رابطهٔ مستقیم و متقابل دارد. همانگونه که فساد مالی و اداری در درون دولت به بی عدالتی و بیداد می انجامد و در سایهٔ فساد مالی حق به باطل و باطل به حق مبدل می شود، فساد لگام گسیختهٔ مالی در دولت افغانستان پای انتحاری را به دورن نهاد ها و مراکز دولتی می کشاند. جنگجویان انتحارگر با پرداخت رشوت خود را تا مراکز نهادهای دولتی به خصوص نهاد های امنیتی و انتظامی و حتی تا نزدیکی های کاخ ریاست جمهوری می رسانند.

دولت افغانستان یکی از فاسد ترین دولت های روی زمین است که بر مبنای گزارش سالانه سازمان ملل متحد در سال پار (۱۳۹۱خورشیدی) در میان ۱۷۲کشور جهان از لحاظ فساد مالی دومین دولت فاسد شمرده شد. هر یک از اتباع افغانستان در سال مذکور ۱۶۰ دالر از ۴۲۵ دالر عاید سرانهٔ خود را در مراجعه به دفترها و نهادهای دولتی رشوت پرداخته اند. در میان هزاران پرونده یا دوسیه های مختلف حقوقی و جزایی شاید هیچ پرونده ای به عنوان نمونه وجود نداشته باشد که طرفین حتی طرف متضرر و یا جانب شاکی و مدعی، به افراد و نهاد های دولتی رشوت نپرداخته باشند. آیا در چنین حالتی که رشوت به سنت و فرهنگ متدوال در درون دولت افغانستان تبدیل شده باشد، طالبان انتحاری نمی توانند با پرداخت رشوت خود را بدرون نهاد های دولتی برسانند؟

جنگجویان انتحاری طالبان در تمام عملیات انتحاری در مرکز و ولایات به خصوص در کابل پایتخت افغانستان مقادر هنگفت مهمات و سلاح نیمه سنگین و سبک را تا قلب شهر و مراکز نهادهای دولتی انتقال داده اند. این نقل و انتقال سلاح و مهمات طالبان انتحاری بدور از چشم نهادها و نیروهای امنیتی و نظامی چگونه صورت می گیرد؟

روند مهار ناپذیر و رو به گسترش فساد مالی در دولت افغانستان از زاویهٔ اجتماعی نیز زمینه های مساعد عملیات انتحاری و استمرار بی ثباتی و جنگ را فراهم می کند. فساد مالی و اداری در دولت افغانستان به اعتماد مردم از دولت به عنوان نهاد تأمین کنندهٔ نظم و امنیت و مجری قانون و عدالت صدمه می زند و این اعتماد را از میان می برد که برده است. روزی در بحث بر سر فساد دولت و معضل قانون گریزی که دولت خود به عنوان مجری قانون بیشتر از همه مرتکب نقض قانون می شود، یکی از دوستان، قانون را در افغانستان به شمشیر طویلی تشبیه کرد که دستهٔ آن در دست دولت قرار دارد و روی آن در دست مردم. وقتی مردم به قانون پناه می برند و در رسیدن به امنیت و عدالت دست بسوی قانون دراز می کنند دستان شان با شمشیر قانون یا در واقع توسط مجریان فاسد قانون خون آلود می شود.

زمانی که نگاه جامعه به دولت از نهاد مجری قانون و تأمین کنندهٔ امنیت و عدالت میان شهروندان به نهاد مجری بی عدالتی و فساد تغییر خورد، شگاف عمیقی میان دولت و جامعه ایجاد می شود. در این شگاف و این خلاء تروریزم و انتحار جای می گیرد. برای مردم هیچ انگیزه و علاقه ای باقی نمی ماند که مانع نفوذ و جابجایی طالبان و نیروهای انتحاری آنها در جنگ با دولت شوند.

به همان حدی که طالبان به عنوان یک گروه نظامی جنگجوی مخالف دولت از ثبات و صلح در افغانستان جلوگیری می کنند، فساد مالی در درون دولت بیشتر از آن مانع ثبات و صلح می شود. فساد مالی دولت افغانستان و تروریزم انتحاری طالبان، هر دو برادران هم و دشمنان مشترک ثبات و صلح، توسعه و عدالت اجتماعی و اقتصادی هستند.

ماه مبارک رمضان

ماه تعادل فکری، روانی و جسمی مسلمانان است



عبدالعلی کوهی/استاد دانشگاه کابل

در مورد فیوضات ماه مبارک رمضان، بحث های مبسوط و گسترده از سوی دانشمندان اسلامی وجود دارد و جامعهٔ افغانستانی، در هر قشر و لایه یی که قرار دارند، کم و بیش از این فیوضات آگاهی دارند و بهترین اهتمام را در این ماه مبارک انجام می دهند. ماه مبارک رمضان، ماه محو گناهان و خطا های یک مسلمان است و این ماه، ماه عبادت بدنی و رابطه مستقیم انسان با خداوند (ج) است.

ماه مبارک رمضان قبل از همه مزایای فکری، صحی و روانی که در آن وجود دارد، یک نوع پیمان معنوی را میان خداوند (ج) و انسان متدین برقرار می سازد. روزهٔ ماه مبارک رمضان فیوضات فراوان دارد، گذشته از فیوضات صحی و جسمی و همگرایی با افراد تهیدست، بهترین ماه عبادت برای مسلمانان می باشد. طوری که در حدیث مبارک پیامبر اسلام (ص) آمده است که، اگر مسلمان در این ماه یک مستحب را اجرا کند، برابر بر ادای یک فرض است. و گناه کبیره در این ماه رمضان از نظر دین اسلام نا بخشودنی است؛ طوریکه طبرانی از ابو هریره روایت میکند: هر کسی که در ماه مبارک رمضان گناه کبیره را انجام دهد، مورد لعنت خداوند قرار میگیرد و توبهٔ آن قبول نمی گردد و تا رمضان دیگر این لعنت بروی از سوی ملائک جاری میباشد و در صورتیکه در رمضان آینده توبه نماید، توبهٔ آن در این ماه مبارک مورد قبول قرار میگیرد و در صورتیکه تا ماه رمضان دیگر بمیرد، بشارت آن دوزخ است.

رسول اکرم (ص) ماه رمضان را، ماه صبر گفته است که پاداش آن جنت میباشد. مسلمان روزه دار باید در برابر هر نوع زشتی بگوید که من روزه دار هستم. ماه مبارک رمضان از لحاظ فکری و روحی برای انسان مومن ضروری می باشد؛ زیرا روزه برای انسان تزکیهٔ نفس می دهد و بهترین وسیله برای اعتدال روح، روان و جسم انسان میباشد.

در رمضان مسلمان در آغوش رحمت خداوند قرار دارد و رمضان بزرگترین نماد تقوا و استقامت است. این اعتدال می تواند شامل روح و روان، جسم و بدن انسان گردد؛ زیرا امساک از خوردن و نوشیدن در طول روز برای انسان می تواند مفید واقع گردد. همین اکنون در برابر برخی از امراض مانند چاقی و چربی خون از چنین ریاضت استفاده می گردد. روزه در وجود انسان تغییر به وجود می آورد و این تغییر در وجود انسان اعتدال می بخشد، تغییر در خواب، تغیر در خوراک و تغییر در باطن انسان است و رمضان ارادهٔ انسان را تقویت می بخشد.

وقتی انسان اراده کند تا شام چیزی تناول نکند و از تمام خواهشات سر باز زند، این بزرگترین تمرین برای تقویهٔاراده است و انسان در برابر ارادهٔ خود مقاومت نشان می دهد، باید گفت که روزه تنها مربوط به مسلمانان نیست؛ بلکه خداوند روزه را برای همه امت های گذشته که دارای ادیان سماوی بوده اند فرض گردانیده است.

روزه انسان ها را در برابر یک آزمون بزرگ قرار می دهد و در ماه مبارک رمضان فرق میان فقیر و غنی وجود ندارد و همه در انتظار رحمت خداوند (ج) نشسته اند. در ماه مبارک رمضان انسان های غنی باید فرهنگ اسلامی دستگیری را از فقرا ترک نکنند و بهترین روزه دار کسی است که با تمام شروط روزه، بتواند در این ماه مبارک به دیگران دستگیری و همنوایی نماید. دستگیری در این ماه مبارک از بهترین عبادت های یک مسلمان است. سخاوت پیامبر اسلام (ص) در این ماه مبارک بیشتر می گردید با وصف آنکه پیامبر (ص) سخی ترین مردم دنیا بود؛ اما در این ماه بر این سخاوت می افزودند. این ماه باید بیشتر به عبادت سپری گردد و عبادت دارای ابعاد گوناگون است، حتا مطالعه و تحقیق پیرامون شناخت اسلام نیز عبادت است، خواب نمودن به خاطر اجرای اوامر خداوند (ج) نیز عبادت است. جای دارد که در این ماه مبارک حقایق اسلام گفته شود؛ در صورتیکه علم با عبادت یکجا گردد فیض آن بیشتر است؛ طوریکه در حدیث پیامبر (ص) آمده است که: فضل عالم بر عابد، مثل برتری من بر شما است. در این ماه مبارک رمضان سخن خوب گفتن، با دیگران با تبسم برخورد کردن نیز عبادت است. در شرایطی که در افغانستان تعداد در زیر خیمه های تنگ و تاریک به سر می برند و انتظار کمک و یاری را از برادر مسلمان خود دارند، دلجویی از این عده بی نوایان از یک عبادت مقبول حکایه می کند. جای دارد که در ماه مبارک رمضان، از فحش، ناسزا، تحقیر، انتقام و غیبت پرهیز نماییم و شرط قبولی روزه، دوری جستن از این عناصر منفی و سایر روش های غیر انسانی است. طوریکه گفتیم ماه مبارک رمضان اعتدال روحی وجسمی میان انسان ها میباشد باید بکوشیم این اعتدال را در خود به وجود بیاوریم و از برکت این ماه مبارک رمضان تغییرات مثبت را در خود و خانوادهٔ خود ایجاد نماییم.

امریکا لا تر اوسه د مرسي گوښه کول، کودتا نه گڼي؟ !!

ن شفیق

له کومې ورځې څخه چې په مصر کې د ټاکنو له لیارې واک ته رسیدلی اسلامپال ولسمشر دکتور محمد مرسي د یوې نظامې کودتا پر بنیاد له واک څخه لیرې کړای شوی او په یو نا معلومه ځای کې بندی کړای شوی دی، په مصر کې د عدالت او ترقۍ گوند لخوا پرله پسې مظاهرې دوام لري او پدغه مظاهرو کې ژر تر ژره د قانوني ولسمشر د واک بیرته سپارلو غوښتنې کیږي؛ د (الاخوان المسلمون) گوند چې په مصري ولس کې د نورو ټولو گوندونو په پرتله زیات نفوذ او د اکثریت لرونکی گوند دی؛ د رمضان په میاشت کې د سختو گرمو ورځو او روژو لرلو سره سره، له خپل فولادي هوډ څخه د نه ستنیدو (مرسي ته د واک بیرته سپارلو) پورې د خپلو مظاهرو د دوام څرگندونې کوي.

او بلې خواته د غلا د دروازې (کودتا) له لیارې واک لاس کې اخستونکي مصري نظامیان د بګیل شوو گوندونو ترمینځه د واک شریکولو خپلې پروسې ته دوام ورکوي چې د (ببلاوي) د نوي صدراعظم او (البرادعي) د هغه مرستیال په توگه د نصبولو وروسته کابینه اعلانیږي او ورسره سم د ولسواکۍ له لیارې د ټاکنې گټونکي گوند قیادتونه د سلگونو په شاوخوا کې ددغه گوند د عام مرشد (لاربنود) دکتور بدیع په شمول بندیان کیږي او مالي حسابونه یې منجمد گرځولی کیږي، مظاهره چیانو باندې د اوښکو بهیوونکو گازونو سربیره د وهلو او ټکولو تر بریده تشدد او تر مرمیو ورولو او شهیدانولو لړۍ دوام لري. خو د نړۍ مشران او امریکا لا تراوسه دې باورته نده رسیدلې چې په مصر کې د مرسي له واک څخه لیرې کول نظامي کودتا ده او کنه؟!!

په رښتیا هم چې د لویدیځوالو په ځانگړې توگه د امریکا د ولسواکۍ شعار د ملنډو او خندا وړ دی؛ ځکه دوی ولسواکي دې ته وایې چې د خپلې خوښې څیرې یې لکه البرادعي، السیسي او ببلاوي واک ته ورسیږي او هغه هم د توري دروازې له لیارې!! او که د یو ولس غوڅ اکثریت هم څوک واک ته ورسوي خو چې د دوی خوښ نه اوسي وي نو بیا یې لیرې کول ولسواکي وي!! لکه چې په مصر کې له مرسي او د (الاخوان المسلمون) له گوند سره وشو؛ چې کال مخکې یې ټاکنې گټلې وې او بیا په نیمایې کال کې د جوړ کړی اساسي قانون په هکله ټولپوښتنه کې اویا سلنه ولسي ملاتړ هم لاسته راوړی وو. اوس له امریکایې ولسواکي خوښو او په ځانگړ ط توگه له (اوباما) څخه پوښتنه دا ده چې: په یو هیواد کې د دفاع وزارت لخوا واک نیول او ولسواک حکومت لیرې کول کودتا وي او که ولسواکي؟ مرسي منتخب ولسمشر وو او که السیسي؟ که چیرې د اوباما پرخلاف جمهوري غوښتونکي د لاریونونو له لیارې د ی‌و بل کوم بهرني ملاتړ په مټ د اوباما حکومت د یو پوځي مقام لخوا ړنگ اعلان شي، دا به

۷مخ

مروری بر برخی حوادث امنیتی

فیض

۲۱سرطان:

• مسوولین امنیتی می گویند، که در انفجار یک موتر مملو از مواد انفجاری در میربچه کوت ولایت کابل، رانندۀ موترکشته و سه فرد ملکی مجروح گردیده است. گفتۀ می شود، موتر نوع کرولا حین عبور از ساحه از سوی پولیس متوقف گردید اما راننده به هدایت پولیس توجه نکرده و از ساحه فرار کرد. در حالی که تحت تعقیب پولیس قرار داشت، در چند صد متری محل تلاشی منفجر گردید.

۲۲سرطان:

• به گفتۀ مقامات امنیتی به رسانه ها، در یک درگیری بالای پوسته پولیس سرحدی در مربوطات ولسوالی درغستان ولایت قندهار میان طالبان و نیروهای امنیتی کشور، دوازده طالب مسلح پاکستانی کشته اند.

• به گفتۀ یک مسوول امنیتی بغلان به رسانه ها، طالبان مسلح یک آنتن مخابراتی اریبا را در کوه کنجک دشت کیله گی ولسوالی دوشی ولایت بغلان به آتش کشیدند .

• در خبرنامۀ ریسات عمومی امنیت ملی آمده است که، مؤظفین ریاست طی یک عملیات در همکاری با مردم هشت تن تروریستان را در مربوطات ولایت غزنی دستگیر نمودند. این افراد بجرم خویش اعتراف نموده اند که توسط قوماندانان گروه طالبان به نام های طیب شاه و ملا ابوس جذب و بعد از فراگیری تعلمیات نظامی از شهر پشاور بمنظور انجام فعالیت های تروریستی، تخریبی ترور افراد و اشخاص، قطاع الطریقی، ماین گذرای کنار جاده، جمع آوری پول، اکمال سلاح و مهمات به گروپ های تروریستی، جلب و جذب افراد به صفوف گروه طالبان در مرکز و ولسوالی های ولایت غزنی فرستاده شده بودند.

۲۴سرطان:

• جنرال ظاهرعظیمی سخنگوی وزارت دفاع ملی، درنشست خبری مشترک با سخنگویان آیساف و ناتو، سالجاری را خونین ترین سال خوانده گفته است که مخالفان مسلح باحمایت حلقات بیرونی، از تمام توان خود به منظور تصرف ساحات مشخص و اخلال امنیت استفاده نموده؛ اما موفق نشده اند. به گفتۀ وی، درین حملات و انفجارات، به مردم و نیروهای امنیتی تلفات زیاد وارد گردیده است.

۲۵سرطان:

• در نتیجۀ یک انفجار در شهر جلال آباد دو تن کشته و یک تن زخمی شده است. به گفتۀ سخنگوی فرماندۀ پولیس ننگرهار ، مواد انفجاری که در نزدیک پل بهسود شهر جلال آباد جابه جا شده بود.

• به گفتۀ رسانه ها، از اثر یک انفجار در شهر جلال آباد، دو تن کشته و سه تن دیگر جراحت برداشته اند. این انفجار در کنار پل بهسود در شمال شهر جلال آباد رخ داده است.

• به گفتۀ سخنگوی پولیس هرات، ولی احمد خان دادستان ولسوالی کرخ - برادر رنگین دادفر اسپنتا مشاور امنیت ملی رئیس جمهور کرزی - زمانی که از یک حمام عمومی در ولسوالی کرخ در هرات بیرون می‌آمد، هدف شلیک گلوله یک فرد موتورسیکلت سوار قرار گرفت و کشته شد.

۲۶سرطان:

• در جریان عملیات تحت نام "نجات دو" در ولایت لوگر، ۷۷ تن از طالبان کشته شده است. قوماندان لوای چهارم قول اردوی ۲۰۳ تندر در یک کنفرانس خبری به رسانه ها گفته است: در عملیات تصفیوی "نجات دو" که مدت پانزده روز را در بر گرفت، قول اردوی ۲۰۳ تندر، پولیس ملی، امنیت ملی و قوای هوایی ناتو اشتراک داشتند.

گزینه های غیر از ...

۳-بازگردانیدن خانوادۀ شاه سابق به قدرت:

این طرح سالها قبل در دستور کار بود اما در خانوادۀ ظاهرشاه با وجود زمینه سازی هائی که صورت گرفت کسی که بتواند این کار را به پیش ببرد، سر بلند نکرد. اکنون یکی از نوه های برادر داوودخان به نام نادر نعیم نوۀ سردار محمد نعیم به کابل آمده و فعالیت های سیاسی خود را آغاز کرده است. وی در نخستین محفلی که در کابل برگزار کرد، سخنانی بر زبان آورد که نشان می دهد وی هم قصد شامل شدن در پروسۀ سیاسی در افغانستان را دارد. از آنجائی که چنین اقدامات بدون حمایت خارجی ممکن نیست، ممکن است جریان نادر نعیم هم یکی از گزینه ها برای آیندۀ افغانستان بعد از سال ۲۰۱۴ باشد.

سایر امیدواران:

در رابطه به طرح حکومت موقت به تدریج چهره هائی که باید در صدر قرار گیرند، مشخص می شوند؛ یک نکته که شایع است اینست کهامریکائی ها به بعضی از افغانها گفته اند که نمی خواهند در این پروسه از کسی را که دارای دو تابعیت باشد حمایت کنند اما اگر مردم از چنین کسی حمایت کنند، آنها هم مخالفتی نخواهند داشت.

اما باوجود این سخن امریکائی ها، کسانی چون خلیل زاد، اشرف غنی احمدزی، دکتر فاروق اعظم و جلالی امیدوار اند که در صورت بمیان آمدن چنین حکومت، شانس خود را بیازمایند. عبدالستار سیرت نیز طرحی برای حکومت موقت ارائه نموده است. کسانی که خواستار مذاکره و صلح با طالبان اند نیز از طرح حکومت موقت پشتیبانی می کنند تا مذاکرات صلحی که طالبان نمی خواهند با کرزی به پیش ببرند، با حکومت موقت امکان پذیر گردد.

حکومت موقت می تواند به دو شکل بمیان آید:

الف: از طریق یک لویه جرگه که نقش اساسی را خود افغانها داشته باشند و در این مورد نظریات مختلف است. از جمله اینکه کسانی که به این حکومت شامل می شوند باید در حکومت کرزی وظیفه نداشته و بعد از پایان دورۀ حکومت موقت هم در حکومت انتخابی بعدی نیز شامل نگردند. این افراد باید بیطرف بوده و مورد توافق نسبی طرف طالبان و اپوزیسیون سیاسی حکومت باشند. در این لویه جرگه خارجی ها هم می توانند بعنوان ناظر سهم بگیرند و در مورد کمک های آیندۀ شان به افغانستان اطمینان بدهند.

ب: از طریق یک کنفرانس بین المللی که در آن فعالیت های بعد از سال ۲۰۱۴ به بحث گرفته شود. افغانها و خارجی ها باید نقاط ضعف و قوت سالهای گذشته و اشتباهات خود را به بررسی بگیرند. سازمان ملل متحد و کشور های همسایۀ افغانستان بخصوص ایران وپاکستان می توانند در این رابطه نقش مهم داشته باشند. فرق این فورم با کنفرانس بن که در سال ۲۰۰۱ دایر شد در این خواهد بود که در این نشست در مورد راهکار های عملی بمیان آمدن ثبات در یک جامعۀ پسا بحران تصمیم گرفته خواهد شد تا این جامعه دوباره به جنگ باز نگردد. یک نظر اینست که این کنفرانس باید در داخل افغانستان برگزار گردد و شبیه یک لویه جرگه بوده و تعداد بیشتری از افغانها در آن امکان شرکت بیابند.

احتمال شامل شدن طالبان در حکومت:

موضوع شامل شدن طالبان در حکومت موقت از مسایل بسیار پیچیده است. یکی از موانع، نظری است که جامعۀ جهانی در مورد طالبان دارد. دشواری این مسئله در جریان انتصاب یک عضو پائین رتبۀپیشین طالبان به حیث کمشنر کمیسیون حقوق بشر افغانستان مشخص شد. این شخص که در دوران حکومت طالبان مدتی بعنوان یک نویسنده، مدیر مسؤول یک نشریه به نام "طلوع افغان" در قندهار بود، زمانی که از طرف حامدکرزی به حیث کمشنر به کمیسیون حقوق بشر معرفی شد، با مخالفت دیده بان حقوق بشر و سایر نهاد های مدافع حقوق بشر در داخل وخارج مواجه گردید و از حامدکرزی خواسته شد تا وی را از این سمت برکنار سازد.

وقتی شخصی که بعنوان یک روزنامه نگار در دوران طالبان با این گروه همکاری کرده است، با چنین سرنوشتی مواجه است، این شعارها که طالبان در انتخابات سهم گیرند و از این طریق در حکومت شامل گردند، آنها را قانع نخواهد ساخت.

امریکا لا تر اوسه د مرسي گوښه کول، ...

کودتا وي او که نه؟ چې لا تراوسه تاسو کودتا نه پیژنئ؟!! که (افریقایي اتحادیه) ستاسو په نظر د پانگوال نظام برخه نه وي چې د مرسي حکومت د ړنگولو په لومړنۍ ورځ یې په مصر کې رامینځته شوی بدلون کودتا وگڼله او د مصر غړیتوب یې په خپله اتحادیه کې له مینځه یووړ، نو (کانتری اشتن) خو ستاسو لویدیځواله او د پانگوال نظام برخه ده او په یووشتمه پیړۍ کې د ترهگرۍ(؟) پرخلاف جوړ کړې سیناریو کې سره یوه ټلواله یې، د هغې دریځ درست دی او که ستاسو؟ چې د تیرې چهارشنبې په ورځ له مصر څخه په لیدنه کې، د اروپایي اتحادیې د مشرې په توگه پډې بریالۍ نشوه چې له مرسي سره هم وگوري او ددې پېر مصري فرعونانو ورته دا حق ورنکړ او نوموړي د خپل انساني ضمیر په قضاوت مصر کې رامنځته شوي بدلون د ولسواکۍ پر خلاف یو کودتا وگڼله او ژر تر ژره یې د مرسي د ازادولو غوښتنه وکړه، نو وواییې چې امریکا په حقه ده او که نړیواله ټولنه (افریقا، اروپا او د سعودي او د هغوې په څیر له ټوله اسیا) په حقه ده؟!! خو رښتیا هم چې د زورور اوبه په بره ځي؛ ټوله نړۍ مصر کې نوي بدلون ته او د توري دروازې لیارې واک اخستلو ته کودتا واې خو امریکا ورته د خپلوغلامو عربانو واکمنانو له لیارې اته میلیارده مرستة ورکوي!!!

په افغانستان کی د هند...

د افغانستان د بیا ابادۍ په پروسه کې د هند په څیر توان نلري او له بلې خوا دغه کار یې د زړه څخه هم نه وو، نو ځکه په وروستۍ مرحله کې هند د افغانستان سره په اړیکو ټینگولو کې له پاکستان څخه مخکې شو خو پاکستان لکه د هغه مرچکو ذ پیرودونکي په څیر پډې مکلف وو چې د نړیوالې ټولنې سره د ترهگرۍ په ځپلو کې ځان ژمن وښایې او دغه مرچک لهاوښکو بهیدلو سره سره وخوري. مگر د افغان دولت پر خلاف د طالبانو ورځ تربلې د عملیاتو د ډیروالي او برلاسۍ لاسته راوړلو لامله پاکستان د افغانستان په ابادۍ کې د برخې اخستلو پر ځای د جگړې د پلې په درنیدو سره له لاسه ورکړی وزن بیا پیدا کړاو د اوباما په دوهم ځل واک ته له رسیدو سره سم د نوموړي په نوي استراتیژۍ کې د پاکستان د قوت په نظر کې نیولو سره پاکستان ته پډې وروستیو کې د نړیوالو ټولنې او په ځانگړې توگه د امریکا لخوا په وزن منلو، سیاست رامینځته شو چې دا مهال دغه دواړه هیوادونه یو ځل بیا په برابره توگه د افغانستان او سیمې په امنیت کې پوره او برابر رول لري؛ ځکه اوس دغه جگړه یوازې د افغانستان دننه نده پاتې شوی؛ بلکې په سیمه کې په پراخه پیمانه غزیدلې ده او پاکستان ترې هغومره سرټکوي لکه چې افغانستان ورڅخه سر ټکوي نو ځکه دواړه هیوادونه اوس هم د خپلې گټې او بایللو ډگر افغانستان گوري او د افغانستان امنیت د دواړو هیوادونو په امنیت کې رول لري نو ځکه خو د افغانستان د حکومت لپاره پکار ده چې دغه انډول وساتي او په هیواد کې د جگړې د پای ته رسولو لپاره معقول سیاست ولوبوي؛ ځکه که افغانستان له یوې خوا د هند په پرتله پاکستان سره د دوستۍ په یوه نسبي توگه زیاته اړتیا لری نو له بلې خوا د امریکا او نړیوالې ټولنې لخوا د افغانستان سره جنگي تجهیزاتو په برابرولو او وسلو سمبالولو کې اړین گامونه نه پورته کول هم افغانستان دې ته اړ کوي چې د هند څخه د پوځي مرستو لاسته راوړلو چانس له لاسه ورنکړي. او همدا هغه اړتیا ده چې درې میاشتې مخکې ولسمشر کرزي په همدې منظور هند ته سفر کړی وو خو وروسته د هند لخوا پډې هکله کړې وعده کې لږې بې غورې او تاخیر بیرته هند دې ته اړ کړ چې یو ځل بیا افغانستان ته خپل یو ځانگړی پلاوی راولیږي او د افغانستان دّ امنیتي ارگاونونو په روزنه او په وسلو سمبالولو او جنگي تجهیزاتو ورکولو کې د پوره مرستې ډاډ ورکړي؛ چې پډې ورځو کې هندي پلاوی په همدې منظور افغانستان ته راغلی او د افغان دولت سره د مرستو په ابعادو او تگلاروباندې غور کوي او نور د افغان دولت د سیاسي بصیرت پورې اړه لري چې څومره کولای شي(پداسې حالاتو کې چې د طالبانو لخوا په قطر کې د دفتر په پرانستلو باندې ژور اختلافات ددې لامل شوی چې طالبان په مؤقته توگه خپل دفتر وتړي) د هند له نظامي مرستې څخه گټه پورته کړي او د پاکستان لخوا دسولې په هڅو کې د ریښتینو گامونو په اوچتولو سره په پاکستان باوري شي او د دواړو هیوادونو ترمینځه د دوستۍ مطلوب انډول وساتي

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کنند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم -سال دوازدهم - شمارهٔ هفدهم ۲۹ سرطان ۱۳۹۲ ۱۱ رمضان المبارک ۱۴۳۴ - 20 July 2013

په افغانستان کې د هند رول



رفیق بحر

هند چې د جنوبي اسیا له ټولو ځواکمن هیواد دی او هم د سارک هیوادونو په ترون کې ځانګړی وزن لري، له افغانستان سره د اړیکو لرغونی تاریخ لري خو په۱۹۴۷ میلادي کال کې له انګلستان څخه د مسلمان او هندو دوه وو نظریو پر بنیاد د هندوستان او پاکستان پر نوم د دوه وو هیوادونو له رامینځته کیدو وروسته د کشمیر په سر د را پیدا شوي اختلاف،(چې ایا دغه سیمه د هند سیمه شي او که د پاکستان ؟) په سر د پاکستان او هند ترمینځه اختلاف دغو دواړو هیوادونو سره د افغانستان اهمیت له پخوا څخه هم ډیر کړی دی؛ ځکه له دواړو هیوادونو څخه هر یو دې ته اړتیا لري چې د خپل حریف د کمزوري کولو لپاره د افغانستان سره یې اړیکې زیاتې ښې اوسي.

د سردار محمد داوود خان له واکمنۍ څخه وړاندې د افغانستان د دواړو هیوادونو سره د اړیکو انډول ساتل شوی وو خو د هغه د واکمنۍ پر مهال، په اغاز کې یې د پاکستان سره اړیکې د هند په پرتله یو څه ترینګلی شوي برید ته رسیدلي وې چې بیا د کمونستي رژیم په وخت کې د مجاهدینو اړیکې له پاکستان سره، او د واکمن رژیم اړیکې له هندوستان سره ډیرې ښې شوې او له همدې امله د افغان جهاد کلونه که د امریکا او شوروي ترمینځه د سړې جګړې کلونه وو په عین وخت کې ددغو دواړو زبر ځواکونو په څیر د هند او پاکستان ترمینځه د سړې جګړې کلونه هم وو. چې وروسته د مجاهدینو په بریالیتوب او کمونستي رژیم په ړنګیدو سره د پاکستان له افغانستان سره د دوستۍ چانسونه نور هم ډیر شو.

خو د مجاهدینو لخوا د حکومت تسلیمولو په غونډه کې هغه وخت د پاکستان د بهرنیو اړیکو مسوول(اکرم ذکي) د یوې بې مسوولیته خبرې پر بنیاد چې دا وخت ورڅخه په افغانستان کې د پاکستان د استراتیژیک عمق په نوم تعبیر کیږي، د څوارلس کلن جهاد په موده کې دیو ګاونډي او ورور اسلامي هیواد په توګه د دوستۍ اړیکې لومړی د شک د سترګو لاندې راغلی او د جهادي تنظیمونو ترمینځه د پاکستان لخوا د سکه او ناسکه پاللو د پالیسۍ نورهاوج ته په رسیدو سره د کورنۍ جګړې پر مهال خبره دې ته ورسیده چې د پاکستان سفارت د وخت د مجاهدینو په حکومت کې د پاکستان په سیاست باندې د نیوکې په توګه د مظاهره چیانو لخوا وسوځیده او پدې ترتیب د اکرم ذکي خبرې او د سفارت سوځیدلو دواړو، د افغانستان سره د هند او پاکستان په اړیکو کې د یو نوي باب اغازیدلو زمینه برابره کړه؛ پاکستان د دوستۍ چانس له لاسه ورکړ او هند دغه عمل ددې لپاره یو ډیر ښه پول وګاڼه چې د افغان جهاد په دوره کې د واکمن رژیم سره د دوستۍ ړنګ شوی پول د مجاهدینو حکومت سره د اړیکو د اغازولو په پول عوض کړي او تر دا مهاله پکې کامیاب شوی هم دی. د پاکستان د حکومت په ملاتړ د طالبانو د واکمنۍ له سقوط وروسته د بُن د توافقاتو په نتیجه کې د افغانستان د نوي نظام سره د پاکستان اړیکې د زړه نا زړه له مرحلې اغاز شوې او د افغانستان په بیا ابادولو کې دواړه ګاونډي هیوادونه د یو بل ازمایش لاندې راغلل چې په همدې بنیاد پاکستان هم د افغانستان په بیا ابادولو کې د نړیوالې ټولنې سره په یو قطار کې ودریده او د ترهګرۍ(؟) پر خلاف د بې مفهومه جګړې په لومړی قطار کې د سرخوځولو سیاست یې هم غوره کړ.

خو وروستیو دریځونو یې وښوده چې پاکستان له یوې خوا

۷مخ

بازهم تراژیدی دیگر در آبهای بحر هند!

مقامات آسترالیایی گفته اند در نتیجهٔ غرق شدن یک قایق پناهجویان در بحر هند یک کودک کشته و هشت تن دیگر ناپدید شده اند. ۸۸ تن ازین پناهجویان توسط نیروهای بحری آسترالیا نجات داده شده اند به بازداشتگاه مهاجرین در جزیرهٔ کرسمس منتقل شده اند. تعداد مجموعی پناهجویانی که می خواستند با این قایق خود را از اندونیزیا به آسترالیا برسانند ۹۷ تن بوده که همه از کشورهای افغانستان، ایران و سریلانکا می باشند. از سال ۲۰۰۷ تا حال بیش از ۴۵ هزار پناهجو که اکثراً اتباع افغانستان و کشور های شرق میانه بودند، از همین راه خود را به آسترالیا رسانیده اند. اما ازین میان بیش از یک هزار تن در بحر غرق شده اند.

صدراعظم آسترالیا این حادثه را یک تراژیدی بشری خوانده است. اما فرار برخی شهروندان کشورما و روی آوردن شان به کشورهای دیگر و همچنان قبولی این همه مشقات تا سرحد از جان گذشتن، که این را نیز همانند گفتهٔ صدراعظم آسترالیا باید تراژیدی خواند، ناشی از بی توجهی دولت افغانستان نسبت به شهروندان اش، که به نا امنی نقطهٔ پایان نگذاشت و زمینهٔ اشتغال را مهیا نکرده است. در داخل کشور نیز برخی شهروندان کشور را بیکاری، فقر و نا امنی به کام مرگ می سپارد.

کودتا به بهانهٔ دموکراسی بر ضد دموکراسی

فقیری

حکومت های مردمگرا به زور و بازوی مردم و با رأی اکثریت جوامع در کشور های اسلامی رویکار می آیند... دشمنان دموکراسی و آزادی های مردم، برضد همچو حکومات، باز هم از راه دموکراسی و اعتراض ها و مخالفت های قشر های از جامعه، بپا بر می خیزند و گویا می خواهند ثابت نمایند که رأی مردم را بازهم توسط رأی مردم خنثی می سازند و این مردم اند که خواهان تغییر و تحول اند و حکومات مردمی را با راهپیمایی و تظاهرات، ساقط می سازند...

این تجربهٔ ناکام در ترکیه ثابت گردید و حکومت مردمگرای آن با راهپیمایی ها و تظاهرات مواجه شد ولی سرانجام رأی مردم به جای خود باقی ماند و مقاومت حکومت مردمگرا در برابر سیل اعتراضات عمدتاً دستوری و از خارج رهبری شده، پلان ها و توطئه های دشمنان را خنثی ساخت. حکومت، برخی از اعتراض ها را پذیرفت و هدفت اصلی توطئه که همانا سرنگونی حکومت بود، با شکست مواجه شد...

این بار توطئه ها باز در یک کشور دیگر اسلامی، در مصر صورت گرفت و توطئه گران آگاه و نا آگاه، بازهم

ص۴

قرار داد گاز ترکمنستان از طریق افغانستان به هند

◇ تکساری

قرار داد بزرگترین پروژهٔ اقتصادی میان افغانستان، پاکستان، ترکمنستان و هند موسوم به قرارداد (تاپی) در عشق آباد به امضاء رسید و این تفاهمنامه و قرارداد اقتصادی از بررگترین پروژهٔ اقتصادی در منطقه است که افغانستان مشمول آن می باشد. این خط لولهٔ گاز که به امتداد ۱۷۰۰ کیلومتر ادامه خواهد یافت و کشور ترکمنستان را از طریق افغانستان، پاکستان به هند وصل خواهد نمود. ذخیرهٔ این گاز در حدود ۳۳ میلیارد مکعب تخمین می گردد. این خط در داخل افغانستان، از ولایت های هرات و قندهار می گذرد و سرانجام به کشور پاکستان عبور داده می شود. این لوله از طریق ملتان، کویته و پنجاب به هند وصل می شود.

طرح یک چنین پروژهٔ بزرگ اقتصادی در شرایطی روی دست گرفته می شود که کشورهای افغانستان، پاکستان و هند به انرژی سوخت و گاز نیاز شدید دارند و انتقال گاز ترکمنستان به این کشورها می تواند فیصدی بزرگی نیاز این کشور ها را از انرژی سوخت برطرف سازد. هند به خرید گاز ترکمنستان علاقهٔ زیاد دارد و تصمیم دارد به اسرع ممکن این خط به هندوستان کشیده شود. در شرایطی که پاکستان به کمبود برق و انرژی دست و گریبان می باشد، انتقال گاز به پاکستان، به اقتصاد ورشکستهٔ این کشور روح تازه خواهد دمید. چهار کشور منطقه در امتداد این خط منافع مشترک دارند و این منافع مشترک به تسریع امتداد این خط کمک خواهد کرد. آنچه در امتداد این خط در داخل افغانستان قابل نگرانی است، نبود امنیت در مناطقی است که این خط از آن می گذرد و در محور یک فعالیت مشترک سرک امنیتی این کشورها، مشکل امنیت برطرف خواهد گردید و قرار است در حدود ۱۲ــ ۹ هزار نیروی امنیتی در امتداد این خط جابه جا گردد.

به گفتهٔ سخنگوی وزارت معادن افغانستان، این کشور سالانه می تواند ۴۰۰ میلیون دالر از عبور این خط لوله گاز ترکمنستان از خاک این کشور، نفع بردارد. افغانستان در گام نخست می تواند گاز مورد نیاز خود را از طریق این لوله گاز در مراکز معین که تعبیه خواهد گردید به دست آورد و به تعقیب آن مواد سوخت فابریکه های تولیدی و سایر شرکت های خصوصی و دولتی را تامین خواهد نمود، و در ظرف سال های اخیر افغانستان قادر می گردد مقدار بیشتری از این گاز را در جهت تامین اقتصادی خویش به کار گیرد و در آن صورت دولت می تواند به خانه های مسکونی و دولتی گاز به قیمت ناچیز عرصه نماید. افغانستان پس از سال ۲۰۱۴م به کمبود انرژی مواجه خواهد گردید و موجودیت یک چنین قرار داد مهم می تواند افغانستان را در راستای انکشاف و توسعه پایدار رهنمایی کند.

تفاهم کشورهای منطقه و ارادهٔ آنها به امتداد این لولهٔ گاز دغدغه های بی ثباتی را بدون شک در مسیر خط لوله گاز برطرف خواهد ساخت. این پروژه در سال ۲۰۱۴م شروع و در سال ۲۰۱۷م به بهره برداری سپرده می شود. این پروژه برای افغانستان خیلی امید وار کننده است؛ زیرا مشکل مواد سوخت شهروندان از این طریق کاهش خواهد یافت. کمبود انرژی و مواد سوخت موجب گردیده است، که تعدادی از فابریکه های تولیدی در کشور مسدود گردد. اتاق های تجارت افغانستان گزارش داده است که طی سه سال اخیر در حدود سه هزار فابریکهٔ تولیدی که در کابل و ولایات افغانستان، فعالیت داشت، از فعالیت بازمانده است و علت اساسی آن کمبود انرژی، نبود مواد اولیه ارزان و رقابت کشورهای همسایه عنوان گردیده است؛ طوری که دولت نتوانسته و یا نه خواسته است، این فابریکه ها را یاری رساند. قرارداد و تفاهمنامه یک چنین پروژهٔ بزرگ اقتصادی منطقه یی، یک نوع امیدواری برای مردم افغانستان خواهد بود. امید است مسؤولان کشور از این شانس منطقه یی استفاده نموده و برای نیازمندان انرژی عرصه نماید.